

## مطالعه تطبیقی وثیقه دارایی در گردش<sup>۱</sup>

سیامک ره پیک\*

استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران

سیدمرتضی قاسم‌زاده

استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران

هادی شعبانی کندسری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۲/۳۰)

### چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی امکان توثیق دارایی در گردش بدهکاران بوده که از طریق مطالعه تطبیقی نهاد وثیقه شناور در نظام کامن‌لا با تأکید بر مبانی فقهی و حقوقی کشورمان صورت گرفته است. در این پژوهش، این پرسش مطرح شده است که مفهوم، ویژگی‌ها، احکام و آثار وثیقه شناور در حقوق انگلیس چیست و آیا پذیرش این نهاد بر اساس مبانی فقه شیعه و حقوق ایران امکان‌پذیر است یا خیر. نتیجه به دست آمده این بود که وثیقه شناور برای توثیق دارایی در گردش بدهکاران راهکارهایی را ارائه می‌دهد که هم از طلبکار پشتیبانی کند تا او را به وصول طلب خود مطمئن سازد و هم از وثیقه‌گذار، تا از استفاده از اموال در گردش خود محروم نشود و تجارت وی فلج نگردد. حاصل مطالعات و پژوهش‌های یادشده در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه بررسی و تحلیل شده و این نتیجه را نشان داده است که توثیق دارایی در گردش مغایرتی با مبانی فقه شیعه و حقوق ایران ندارد و به همین دلیل، تهیه و تصویب قانونی جامع در خصوص توثیق دارایی یادشده به قانون‌گذار پیشنهاد شده است.

### واژگان کلیدی

تیلور، جریان عادی تجارت، دارایی در گردش، دسته دارایی، غرر، مال آینده، وثیقه (شناور- ثابت).

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دانشجوی در مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسن ره‌پیک و مشاوره دکتر سیدمرتضی قاسم‌زاده و دکتر رضا طجریلو با عنوان «وثیقه شناور در حقوق انگلیس و تحلیل آن در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه» است.

## ۱. مقدمه

یک قسم وسیع از اموالی که برای تضمین مطالبات بستانکاران بسیار مفید است و استفاده از آن‌ها را برای تجار بدهکار نیز ضروری می‌نماید، اموال در گردش بازرگانان است. از آنجا که اموال ثابت تجار محدود است و معمولاً پاسخگوی بازپرداخت وام‌ها و بدهی‌های آن‌ها نیست، استفاده از دارایی در گردش به‌عنوان وثیقه این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌سازد که بتوانند در برابر گرفتن وام‌های کلان، دارایی یادشده را به وثیقه دهند. توثیق این اموال موجب می‌شود بازرگانان سرمایه لازم را برای اجرای پروژه‌های عظیم، ساخت‌وساز و تولید انبوه به‌دست آورند و با افزایش تولید و ایجاد بازار کار، نفع آن درنهایت به عموم جامعه می‌رسد. باوجوداین، هیچ قانونی در ایران وجود ندارد که به‌صراحت توثیق چنین اموالی را اجازه دهد و احکام و آثار آن را معین سازد. بااین‌حال، توثیق دارایی در گردش باید با دوراندیشی کامل و توجه به همه جوانب کار صورت گیرد و از هرگونه شتاب‌زدگی پرهیز شود. ویژگی بنیادین این قسم از دارایی این است که نمی‌توان آن‌ها را در اختیار دارنده وثیقه قرار داد یا از جریان مبادله اقتصادی خارج کرد. چنین چیزی با ویژگی ذاتی دارایی در گردش مغایر است و به فلج شدن تجارت وثیقه‌گذار خواهد انجامید. باوجوداین، لازم است از دارنده وثیقه نیز حمایت کافی صورت گیرد تا تضمین وصول طلب وی را بی‌فایده نسازد.

برای توثیق دارایی در گردش و استفاده از مزایای این نهاد، لازم است از مطالعات تطبیقی و تجربیات کشورهای دیگر کمک گرفته شود. به‌این‌منظور، توثیق دارایی در گردش در حقوق انگلیس که «وثیقه شناور» نامیده می‌شود، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. باوجوداین، آنچه مهم‌تر به‌نظر می‌رسد، تطبیق این نهاد با مبانی فقهی و حقوقی ایران است. ازاین‌رو، پس از تبیین احکام و آثار نهاد وثیقه شناور (دارایی در گردش) در حقوق خارجی، لازم است انطباق آن با مبانی فقهی و حقوقی مطالعه شود.

این تحقیق در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که مفهوم وثیقه شناور و اوصاف بارز آن و نیز احکام و آثار این نهاد در حقوق انگلیس چیست؟ آیا توثیق دارایی در گردش و پذیرش نهاد وثیقه شناور با مبانی فقهی و حقوقی ایران سازگار است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در مبحث نخست، وثیقه شناور در حقوق انگلیس مطالعه می‌شود و در آن از مفهوم و عناصر وثیقه شناور و نیز از احکام و آثار نهاد پیش‌گفته سخن به‌میان می‌آید. سپس در مبحث دوم، به امکان پذیرش نهاد یادشده از منظر حقوق ایران و فقه امامیه پرداخته می‌شود.

## ۲. مبحث نخست: وثیقه شناور در حقوق انگلیس

در نوشتار حاضر لازم است مهم‌ترین جنبه‌های وثیقه شناور بررسی شود. از این‌رو، به مفهوم و عناصر وثیقه شناور (بند نخست) و احکام و آثار آن (بند دوم) پرداخته می‌شود.

### ۱.۲. بند نخست، مفهوم وثیقه شناور

وثیقه شناور<sup>۱</sup> در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی با ابتکار رویه قضایی و دادگاه انصاف به وجود آمد و از آن پس در نظام حقوقی انگلیس برای تأمین سرمایه بانک‌ها از آن استفاده شد (شعبانی کندسری، ۱۳۹۲، ص ۲۸-۱۱). برای آشنایی بهتر با مفهوم وثیقه شناور، به تعریف (الف) و عناصر نهاد یادشده (ب) پرداخته می‌شود.

#### الف) تعریف وثیقه شناور

لرد مک‌ناگتن در سال ۱۸۹۷م از اولین کسانی بود که بیان داشت، در زمانی که شرکت به طور عادی و متعارف پیش می‌رود، وثیقه شناور یک وثیقه ناشی از انصاف است. چنین وثیقه‌ای در شرایط گوناگون بر دارایی موضوع آن ضمیمه می‌شود. جوهر چنین وثیقه‌ای این است که به صورت خفته و خاموش باقی می‌ماند تا اینکه شرکت از ادامه جریان عادی خود بازایستد (*Government Stocks and Other Securities Investment...*) در سال ۱۹۰۳م، قاضی رامر<sup>۲</sup> بیان کرد که اگر وثیقه‌ای سه ویژگی داشته باشد، شناور خواهد بود: اول، اگر آن وثیقه روی دسته‌ای از دارایی باشد، اعم از دارایی موجود و آینده؛ دوم، اگر آن دسته در جریان عادی تجارت شرکت از زمانی به زمان دیگر تغییر کند؛ سوم، اگر تا زمانی که برخی اعمال از طرف اشخاص ذی‌نفع در وثیقه انجام شود، شرکت بتواند از طریق عادی با دسته دارایی مشمول وثیقه دادوستد کند و تجارتش را ادامه دهد (*Re Yorkshire Woolcombers...*). این تصمیم در آرای بعدی نیز تأیید شد (*Re Orleans Motor...*; *Re Hayman, Christy & Lilly...*; *Re Matthew Ellis...*). دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی به رای قاضی رامر درباره وثیقه شناور گفت: «وثیقه شناور در طبیعت خود متحرک و تغییرپذیر است و روی اموال موضوع وثیقه در حال بال‌زدن است تا زمانی که بعضی رویدادها اتفاق بیفتند یا بعضی اعمال انجام شود که سبب گردد وثیقه شناور بر اموال موضوع وثیقه بچسبد و استقرار یابد» (*Allingworth v. Houldsworth*).

1. floating charge.

2. Romer.

حدود یک قرن بعد، لرد میلر اظهار داشت، تمام عناصری که قاضی رامر به عنوان اوصاف وثیقه شناور معرفی کرده است، برای شناور دانستن وثیقه ضروری نیست، بلکه آنچه در میان این سه خصیصه اهمیت اساسی دارد، ویژگی سوم وثیقه شناور، یعنی آزادی بدهکار برای ادامه تجارت بدون کسب اجازه از دارنده وثیقه است که موجب تمایز آن از وثیقه ثابت می‌شود (*Agnew and Another v. Commissioner of Inland Revenue...*). سپس مجلس لردان نیز در تأیید آرای پیشین در پرونده‌ای چنین اظهار نظر کرد: «دارایی موضوع وثیقه سرانجام به عنوان وثیقه برای پرداخت دین اختصاص نمی‌یابد تا زمانی که برخی وقایع رخ دهد. در این فاصله، وثیقه‌گذار آزاد است که از دارایی موضوع وثیقه استفاده کند و آن را از وثیقه خارج سازد» (*National Westminster bank plc. v Spectrum Plus Ltd...*). حقوق دانان انگلیسی نیز بر اساس آرای پیش‌گفته، به جای تعریف از وثیقه شناور، به تبیین عناصر و ویژگی‌های سه‌گانه آن پرداخته‌اند (McCormack, 2002, p. 391; Stamp, 2001, p. 1144; Goulding, 1999, p. 325; Bourne, 1998, p. 229) که در اینجا بررسی می‌شود.

### ب) عناصر وثیقه شناور

از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که وثیقه شناور سه ویژگی اصلی دارد که باید به آن‌ها پرداخته شود:

#### ۱. شمول وثیقه روی دسته‌ای از دارایی، اعم از موجود و آینده

برخلاف وثیقه ثابت که مال مشخصی موضوع وثیقه قرار می‌گیرد، در وثیقه شناور مال مشخصی به وثیقه داده نمی‌شود، بلکه گروه یا دسته‌ای از دارایی مدیون وثیقه پرداخت دین او قرار می‌گیرد. برای مثال، شرکت تولیدکننده ممکن است هزاران شیء در طول یک ماه و حتی یک روز بسازد و از این رو، ایجاد وثیقه ثابت بر تمام آن‌ها ممکن نیست، اما می‌توان هر شیء را به عنوان تشکیل‌دهنده بخشی از دسته دارایی شرکت، یعنی دسته کالاهای در جریان تولید، توصیف کرد. بنابراین، شایسته است وثیقه شناور بتواند بر دسته نام‌گذاری شده ضمیمه شود، به جای آنکه بر دارایی مشخصی در آن دسته بپیوندد. دسته‌های بارز دارایی عبارت‌اند از: همه دارایی، تجهیزات و ماشین‌آلات، کالاهای در جریان تولید، و مطالبات (Goulding, 1999, pp.323-324).

وثیقه شناور ممکن است روی تمام دارایی مدیون اعم از دارایی موجود و آینده باشد و همه دارایی‌های موجود و آینده و تمامی عملیات تجاری شرکت را به عنوان تضمین دربر گیرد (Tajarlo, 2005, p. 297). اما این، ویژگی اساسی وثیقه شناور نیست؛ به این معنی که ممکن است وثیقه شناور تنها شامل دسته خاصی از دارایی شود (*Federated Cooperatives...*) و نیز

می‌تواند فقط ناظر به اموال موجود باشد و لازم نیست که دسته دارایی شامل دارایی آینده هم بشود (*Re Bond Worth...*) ولی به‌طور معمول چنین وثیقه‌ای بر همه اموال موجود و آینده مدیون گرفته می‌شود (Wood, 1989, p. 195). ایجاد وثیقه شناور روی دارایی‌ای که هنوز به‌وجود نیامده یا شرکت آن را به‌دست نیاورده، بسیار شایع است (Goulding, 1999, p. 326).

## ۲. تغییر دارایی موضوع وثیقه در جریان عادی تجارت

دارایی موضوع وثیقه در جریان عادی تجارت مرتباً و از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌یابد. در واقع، دارایی موجود در دسته دارایی موضوع وثیقه شناور در نوسان است و به موازات تجارت شرکت، تغییر خواهد یافت (Bourne, 1998, p. 229).

## ۳. امکان معامله با دارایی مشمول وثیقه بدون رضایت دارنده وثیقه

جوهر وثیقه شناور این است که بدهکار می‌تواند دارایی موضوع وثیقه را در جریان عادی تجارت و بدون نیاز به رضایت دارنده وثیقه معامله کند؛ همان‌طور که قبل از انعقاد وثیقه از چنین اختیاری برخوردار بود (*Royal*; *Re Crompton...*; *Re Borax Co...*; *Re Florence Land...*; *Trust Bank...*; Ferran, 1988, p. 229). وثیقه ثابت مدیون را از انتقال دارایی موضوع وثیقه بدون رضایت دارنده آن منع می‌کند و به همین دلیل شکل مناسبی از وثیقه روی دارایی قابل تغییر و در گردش نیست. در مقابل، آزادی در معامله با دارایی مشمول وثیقه در جریان عادی تجارت، به پیشنهاد وثیقه شناور منجر می‌شود (McCormack, 2002, p. 391; Goulding, 1999, p. 324).

البته آزادی مدیون در انتقال دارایی مطلق نیست، بلکه به‌واسطه اقدام در «جریان عادی تجارت» محدود می‌شود (*Re* ; *Yorkshire...*; *Re Panama, New zealan and Australia...*; Ferran, 1988, p. 229). به عبارت دیگر، معامله با دارایی موضوع وثیقه فقط در صورتی معتبر است که در جریان عادی تجاری شرکت وثیقه‌گذار انجام شده باشد (*Re Keenan Bros...*; *Siebe Gorman...*). برای مثال، شرکت می‌تواند محصولات تولیدی خود را بفروشد (*Re Florence Land...*) یا از طریق وثیقه ثابت (*Re Automatic Bottle Makers...*; *Wheatly v. Silkstone...*) یا شناور (*Re Benjamin...*) تضمین دین خویش قرار دهد یا ماشین‌آلات موضوع وثیقه خویش را تعویض نماید (Goulding, 1999, p. 324)، ولی حق فروش تمام اموال خود را ندارد (*Hubbuck v. Helms...*; *Taylor v. M'Keand...*). از این‌رو، اگر فروش یا رهن اموال شامل تمام دارایی شود، خریدار یا مرتهن بر دارنده وثیقه شناور حق تقدم نخواهد داشت (*Re Mobile Electric...*).

در صورتی که وثیقه‌گذار طبق جریان عادی تجارت خود عمل نماید، انتقال دارایی مشمول وثیقه صحیح است و ادعای دارنده وثیقه نسبت به منتقل‌الیه یا شخصی دیگری که در دارایی مربوطه حقی به‌دست آورده، پذیرفته نمی‌شود (*R. v. F.B.D.B...*). اگر شرکت بر اساس جریان عادی تجاری خود عمل کند، انتقال اموال مشمول دسته دارایی که موضوع وثیقه شناور است، سبب می‌شود آن‌ها از شمول وثیقه خارج گردند و اموالی که تحصیل می‌شود، موضوع وثیقه قرار می‌گیرد و این روند ادامه می‌یابد تا اینکه در اثر رویدادهایی، وثیقه شناور تبلور یافته، به وثیقه ثابت تبدیل می‌شود و بر دارایی موضوع آن استقرار می‌یابد (*Landall Holdings v. Caratti...*). این موضوع از سوی دیوان عالی در پرونده معروف و موسوم به «گنجشک» تبیین شده است (*Royal Bank of Canada v. Sparrow Electric...*).

## ۲.۲. بند دوم، احکام و آثار وثیقه شناور

از مهم‌ترین احکام و آثار وثیقه شناور که ضرورت دارد بررسی شود، تبلور وثیقه (الف) و حق تقدم حاصل از آن (ب) است.

### الف) تبلور وثیقه شناور

در حقوق انگلیس، برای استقرار حق وثیقه بر دارایی مشمول وثیقه، از واژگان ضمیمه شدن (الحاق)<sup>۱</sup> و تبلور یافتن<sup>۲</sup> استفاده می‌شود. درحقیقت، برخلاف وثیقه ثابت که از همان آغاز بر مال موضوع وثیقه مستقر می‌شود، در وثیقه شناور، تا اتفاق افتادن بعضی از وقایع مشخص، حق وثیقه بر مال مشخص و موضوع خاصی ثابت نمی‌شود (McCormack, 2002, pp. 403 & Goulding, 1999, p. 323; Wood, 1989, p. 204; 413) و به همین دلیل، تا زمانی که وثیقه شناور به وثیقه ثابت تبدیل، و بر مال موضوع آن مستقر نشود، قابل اجرا نیست (Goulding, 1999, p. 324). در نتیجه، مراد از تبلور وثیقه همین تبدیل وثیقه شناور به وثیقه ثابت است (Wood, 1989, p. 28; Armour, 2004, p. 195). با تبلور یافتن وثیقه، حق وثیقه بر تمام یا بخشی از دسته دارایی معین شده، که شرکت پس از قرارداد به‌دست آورده و در لحظه تبلور موجود است، استقرار می‌یابد (Goulding, 1999, p. 323). به عبارت دیگر، با تبلور وثیقه، طبیعت شناور آن خاتمه می‌یابد؛ به طوری که امکان انتقال دارایی از بین می‌رود و دارنده وثیقه می‌تواند وثیقه‌اش را اجرا نماید (Gullifer, 2008, pp. 399-400).

1. Attach.  
2. Crystallise.

شروع انحلال و تصفیه شرکت، خواه به صورت اختیاری باشد یا به درخواست طلبکاران، سبب تبلور وثیقه شناور می شود ( *Re Florence Land...*; *Robinson v. Smith...*; *Re Crompton...* )؛ McCormack, 2002, p. 392; Bourne; 1998, pp. 229-230; Wood, 1989, p. 204; Armour, 2004, pp. 28-29. جایی که بدهکار تحت دعوی ورشکستگی قرار می گیرد، تعیین اینکه تاریخ ثبت دادخواست سبب تبلور وثیقه می شود یا تاریخ دریافت قرار، اهمیت دارد. با وجود این، وضعیت آن چندان روشن نیست (Wood, 1989, pp. 204-205).

رویداد دیگری که سبب تبلور وثیقه می شود، تعیین دریافت کننده (Receiver) است که امروزه به «مدیر» (Administrator) تغییر نام داده است (Enterprise Act 2002, s. 248) و به کسی گفته می شود که اختیار دارد دیون شرکت را به صورت یک شرکت معمول و موجود، بدون اینکه شرکت منحل و تصفیه شود، پرداخت کند ( *Gaskell v. Gosling...*; Gullifer, 2008, p. 401; Fairweather & Border, 2004, p. xix). با تعیین چنین فردی به وسیله دادگاه یا طلبکاران، وثیقه شناور تبلور می یابد، زیرا از این لحظه بدهکار از اختیار اداره دارایی خویش محروم می شود ( *Re Florence Land...*; *Robinson v. Smith...*; *Re Crompton...*; McCormack, 2002, p. 392; Goulding, 1999, p. 327; Wood, 1989, p. 204).

افزون بر دو رویداد پیش گفته، هنگامی که شرکت از تجارت خود به عنوان یک شرکت معمول و متداول دست برمی دارد و ادامه تجارت خود را متوقف می کند، وثیقه شناور تبلور می یابد ( *Government Stocks...*; *Re Woodroffes...*; *William Gaskell Robson v. Smith* )؛ Wood, 1989, p. 205; Bourne, 1998, p. 229. زیرا متوقف کردن تجارت علت شناور بودن وثیقه را از بین می برد (McCormack, 2002, p. 392; Ferran, 1988, p. 229). بنابراین، انتقال تمام تعهدات اساسی موجب تبلور وثیقه شناور می شود ( *Re Hillstead...*).

رویداد متبلورکننده دیگری که پرداختن به آن ضرورت دارد، شرط تبلور خودکار است؛ به این معنی که به محض وقوع رویداد مشخص شده، وثیقه شناور به صورت خودکار و بدون نیاز به انجام هیچ عمل دیگری متبلور می شود که در نتیجه آن اختیار معامله با دارایی موضوع وثیقه پایان می پذیرد (Ferran, 1988, p. 234). هر چند تردیدهایی در خصوص اعتبار شرطهای پیش گفته وجود دارد (Goulding, 1999, p. 328; Ferran, 1988, p. 234)، اما در حال حاضر پذیرفته شده که چنین شرطی معتبر است و موجب تبلور خودکار وثیقه می شود ( *Evans v. Rival...*; *Re* )؛ *Woodroffes...*; *Re Real Meat...*; *Re Bond worth...*; *Re Brightlife...*; *Re Permanent House...*

البته چنین شرطی نسبت به طلبکاران ممتاز اثری ندارد و موجب تقدم وثیقه شناور بر آنان نمی شود (Insolvency Act 1986, s. 251; Sealy, 1986, p. 26; Ferran; 1987, pp. 32-33). در نتیجه، اگر اعتبار چنین شرطی پذیرفته شود، دارنده وثیقه می تواند شرط کند در صورتی که دارایی شرکت از حد مقرر کمتر شود یا وام های شرکت از حد مشخصی فراتر رود ( McCormack, )

393, p. 2002) یا شرکت وثیقه دیگری روی دارایی ایجاد کند و یا دین دارای وثیقه را در موعد معین نپردازد (Goulding, 1999, p. 328)، وثیقه شناور به صورت خودکار و بدون نیاز به هیچ گونه اختطاری تبلور می‌یابد.

### ب) حق تقدم میان طلبکاران متعدد

حق تقدم میان وثیقه شناور و وثیقه ثابت (۱)، دو یا چند وثیقه شناور (۲)، وثیقه شناور و طلبکاران قضایی (۳)، و وثیقه شناور و دیون ممتاز (۴) در اینجا بررسی می‌شود.

#### ۱. حق تقدم میان وثیقه شناور و وثیقه ثابت

هرگاه هم وثیقه شناور و هم ثابت منعقد شده باشد، وثیقه ثابت بر وثیقه شناور حق تقدم دارد؛ حتی اگر بعد از وثیقه‌های شناور ایجاد شده باشد ( *Re Panama, New zealan and Australia...* )؛ زیرا چنین معاملاتی از طریق اختیار ضمنی ادامه فعالیت تجاری و اقدام در جریان عادی تجارت اجازه داده شده است ( *Wheatly v. Silkstone...*; McCormack, 2002, p. 407; Sealy, 1986, p. 26; *Re Ind, Coope...*; *Ward v. Royal Exchange Shipping...*; *Wheatly v. Silkstone...* )

#### ۲. حق تقدم میان دو یا چند وثیقه شناور

اختیار ضمنی معامله با دارایی موضوع وثیقه در وثیقه شناور به قدری وسیع است که اختیار ایجاد وثیقه شناور بعدی روی بخشی از دارایی مشمول وثیقه را اجازه می‌دهد ( *Re Panama, Re Automatic Bottle Makers...* ; *New zealan and Australia...* ). باوجود این، ایجاد وثیقه شناور روی تمام دسته دارایی موضوع وثیقه مجاز نخواهد بود ( *Re Household Products...*; *Re Benjamin...* )؛ مگر اینکه در قرارداد پیشین چنین اجازه‌ای داده شده باشد ( *Savin Canada...* ). حال چنانچه شرکت دو یا چند وثیقه شناور اعطا کرده باشد، در خصوص اینکه کدام یک از آن‌ها بر دیگری یا دیگران حق تقدم دارد، هم میان حقوق دانان و هم در رویه قضایی انگلیس اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق دانان معتقدند که وثیقه شناور بعدی بر وثیقه شناور پیشین تقدم دارد (Goulding, 1999, pp. 329-330)؛ برعکس، بعضی دیگر از دادگاه‌ها و نویسندگان، وثیقه‌های شناور را با توجه به زمان ایجادشان طبقه‌بندی می‌کنند ( *Re Benjamin...* ). Stamp, 2001, p. 115; Ferran, 1988, pp.215 & 235; Goode, 1988, p. 87. برخی دیگر بر این باورند که حق تقدم وثیقه‌های شناور با توجه به تاریخ تبلور آنهاست ( *Griffiths v. Yorkshire Bank...*; McCormack, 2002, p. 393 ). نظر دیگر را که بعضی از دادگاه‌های انگلیس ابراز داشته و برخی حقوق دانان تأیید کرده‌اند، این است که به‌طور کلی وثیقه شناور بر وثیقه شناور بعدی



مقدم است و فقط در صورتی وثیقه شناور بعدی بر وثیقه شناور پیشین حق تقدم دارد که شرکت اختیار ایجاد وثیقه شناور بعدی را در قرارداد وثیقه اول برای خود حفظ کرده و شرط یادشده فقط شامل بخشی از دارایی موضوع وثیقه نخست باشد ( *Re Benjamin...; Re Automatic Bottle Makers...; Bourne, 1998, pp. 232-233* ).

### ۳. حق تقدم میان وثیقه شناور و طلبکاران قضایی

گروه یا دسته دارایی مدیون که تحت پوشش وثیقه شناور قرار گرفته، تا زمانی که وثیقه شناور متبلور نشده، ممکن است به وسیله طلبکاران توقیف شود ( *Evans v. Rival...; McCormack, 2002, p. 403* )، زیرا این اموال دارایی آزاد و طلق مدیون شمرده می شود که آماده توقیف طلبکاران قضایی است. حال اگر دارایی بدهکار توقیف شود و عملیات اجرایی پیش از تبلور یافتن وثیقه شناور به پایان رسد، طلبکاران قضایی بر دارنده وثیقه شناور حق تقدم می یابند ( *Re Opera...; Norton v. Yates...; Goulding, 1999, p. 332; Bourne, 1999, p. 233; Wood, 1989, p. 208* )؛ در غیر این صورت، دارنده وثیقه شناور بر طلبکاران قضایی مقدم خواهد بود ( *Ontario Development...; McCormack, 2002, p. 393* ).

### ۴. حق تقدم میان وثیقه شناور و دیون ممتاز

در صورتی که شرکت وارد تصفیه شود یا دریافت کننده تعیین گردد و به این ترتیب وثیقه های شناور تبلور یابد، دیون ممتاز ( *Schedule 6 the Categories of Preferential Debts, Section 386* ) بر وثیقه شناور مقدم هستند ( *Insolvency Act 1986, ss. 40 & 175* )؛ به این معنی که اگر دارایی بدون وثیقه برای پرداخت تمام دیون ممتاز کافی نباشد، آن ها از دارایی مشمول وثیقه شناور پرداخت خواهند شد ( *Bourne, 1998, p. 223* ).

### ۳. مبحث دوم: امکان پذیرش نهاد وثیقه شناور از منظر حقوق ایران و فقه

#### امامیه

برای تحلیل نهاد وثیقه شناور در حقوق ایران و فقه امامیه و امکان پذیرش آن، بی گمان باید سراغ مبانی رفت، زیرا نه تنها در حقوق ایران نهادی نظیر وثیقه شناور وجود ندارد، در فقه امامیه نیز نمی توان برای امکان توثیق دارایی در گردش رد پای یافت. بنابراین، تنها راه حل این است که ارکان و عناصر اصلی وثیقه شناور در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه تجزیه و تحلیل شود تا بتوان از طریق شناسایی ارکان و عناصر بنیادی این نهاد، به شناسایی اصل نظریه رسید. از این رو، در گردش بودن دارایی موضوع وثیقه (بند نخست)، امکان معامله به مال آینده (بند دوم)، کفایت علم اجمالی به موضوع وثیقه (بند سوم)، عدم قبض دارایی موضوع وثیقه (بند

چهارم) و احتمالی بودن تضمین ناشی از وثیقه شناور (بند پنجم) در حقوق ایران و فقه شیعه بررسی می‌شود.

### ۳. ۱. بند نخست، در گردش بودن دارایی موضوع وثیقه

در صورتی که مال موجودی به موجب وثیقه شناور تضمین بازپرداخت دینی قرار گیرد و بدهکار اختیار انتقال آن مال و نیز حذف آن از شمول وثیقه و جایگزین کردن مال دیگری را به جای آن داشته باشد، که این، ویژگی ذاتی وثیقه شناور و دارایی در گردش است، چنین توافقی بر تبدیل مال موضوع وثیقه صحیح است، همان‌طور که ماده ۷۸۴ قانون مدنی مقرر کرده است: «تبدیل رهن به مال دیگر به تراضی طرفین جایز است». به عبارت دیگر، طرفین عقد می‌توانند توافق کنند که بدهکار مجاز باشد اموال موضوع وثیقه را به‌طور عادی استفاده کند و انتقال دهد و با انتقال، آن مال از شمول وثیقه خارج گردد و هر مالی که در برابر آن به ملکیت بدهکار درمی‌آید یا در آینده تحصیل می‌شود، موضوع وثیقه باشد و از محل آن، طلب وصول شود. در نتیجه، آزادی مدیون در معامله با دارایی موضوع وثیقه و تغییر دارایی مربوطه از توافق طرفین ناشی می‌شود که تردیدی در صحت آن وجود ندارد.

### ۳. ۲. بند دوم، امکان معامله به مال آینده

در فقه امامیه و حقوق ایران مصادیقی وجود دارد که موضوع عمل حقوقی هنگام انعقاد آن موجود نیست و در آینده ایجاد می‌شود؛ چنان‌که موضوع عقد اجاره که منافع عین است، در طول زمان و در اثنای مدت اجاره به وجود می‌آید و کسی نیز در صحت آن تردیدی ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ص ۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۱۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۷۷؛ جعفری لنگرودی، ۲۵۳۷، ص ۱۰۸۲). همچنین، برابر قانون مدنی (ماده ۸۴۲) و نظر فقیهان امامیه، ممکن است نسبت به مالی که در آینده به وجود می‌آید، وصیت شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۸، ص ۲۷۸؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ص ۳۳۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۴۱۷؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۲۳، ص ۲۶۱). اما امکان معامله مال آینده به عنوان قاعده عمومی محل تردید است؛ به طوری که در صحت پیش‌فروش محصولات کشاورزی و مصنوعات بشری اختلاف نظر و تردید جدی وجود دارد (ر.ک. شعبانی کندسری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰-۸۲) و بسیاری از فقهای امامیه بیع مال معدوم و حتی فراتر از آن، هر نوع معامله‌ای نسبت به مال غیر موجود را باطل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۵۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ص ۷۴۵؛ مراغی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۳؛ نراقی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۸، ص ۸۳؛ ج ۲۲، ص ۱۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ص ۲۷۷ و ۲۹۷؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۴۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۱۸۹). در حقوق ما نیز بسیاری از حقوق دانان یکی از شرایط عمومی قراردادهای ناظر بر عین معین یا در حکم آن را وجود مال موضوع عقد در هنگام انعقاد قرارداد بر شمرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸؛ جعفری لنگرودی، ۲۵۳۷،

ص ۵۶۴) و حتی برخی گفته‌اند، در معاملات که موضوع رهن عین معین است، باید عین مرهونه در زمان عقد موجود باشد و مال آینده را نمی‌شود به رهن داد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹).

مهم‌ترین دلیلی که برای ضرورت موجود بودن موضوع معامله و بطلان بیع مال آینده ارائه شده، ماده ۳۶۱ قانون مدنی (امامی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱ و ۴۳۱؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸-۳۰۹) و منع تملیک مال غیرموجود است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۲۱۱؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۴۵؛ مراغی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۱؛ نجفی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۷؛ محقق داماد و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۴۰۵)؛ هرچند به نظر می‌رسد دلیل اصلی بطلان چنین معامله‌ای غرری دانستن آن باشد (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۹۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۵۶ و ۷۷؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ص ۲۴۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ص ۷۴۶؛ امامی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۷).

با وجود این، استناد به دلایل پیش‌گفته برای بطلان هر نوع معامله‌ای نسبت به مال آینده قابل‌خداشه به نظر می‌رسد، زیرا از ظاهر ماده ۳۶۱ ق.م. چنین برمی‌آید که حکم این ماده ناظر به فرضی است که بنا بر طرفین بر معامله نسبت به مال موجود باشد و شامل دادوستدهایی که موضوع معامله در آینده به وجود می‌آید، نمی‌شود؛ به‌ویژه آنکه قانون‌گذار در شرایط اساسی مربوط به موضوع معامله، موجود بودن را شرط ندانسته و در منابع روایی نیز حدیثی مبنی بر بطلان معامله نسبت به مال غیرموجود به‌عنوان قاعده کلی وجود ندارد.

افزون‌براین، منع تعلق مالکیت به امر معدوم نشان می‌دهد که قائلان به این نظر، تملیک فوری را مقتضای ذات عقد پنداشته‌اند؛ درحالی که انتقال ملکیت حین عقد مقتضای ذات آن نیست، بلکه امور زیادی، از جمله تعلیق عقد و تأخیر در انتقال مالکیت، ممکن است میان انعقاد عقد و انتقال مالکیت فاصله بیندازد. در معامله کلی و سلم نیز تأخیر در انتقال مالکیت روشن است. در نتیجه، در عقود تملیکی، انتقال مالکیت لزوماً هم‌زمان با تشکیل قرارداد صورت نمی‌گیرد. در اموال آینده نیز پس از انعقاد عقد و با ایجاد موضوع قرارداد، مالکیت خودبه‌خود منتقل می‌شود؛ امری که موافق خواست طرفین است و با مقتضای ذات عقود تملیکی نیز مغایرتی ندارد. در واقع، عقد سبب تملیک مال آینده می‌شود، نه اینکه ملکیت به معدوم تعلق گیرد. به‌عبارت‌دیگر، مالکیت زمانی منتقل می‌شود که موضوع قرارداد موجود است. برخی از فقهای امامیه نیز به ایجاد مالکیت بعد از ایجاد مال در آینده تصریح کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۸، ص ۳۶۴).

در خصوص غرری بودن فروش مال آینده نیز باید گفت که در خصوص مفهوم غرر میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از آنان غرر را به معنای خطر دانسته‌اند؛ خواه منشأ خطر جهل به مقدار یا جنس یا اوصاف موضوع معامله باشد یا ناشی از نداشتن قدرت بر تسلیم مبیع و یا اطمینان نداشتن به ایجاد مبیع در آینده (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۲؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ص ۳۶۴).

ج ۱۹، ص ۳۲۷؛ مراغی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۴. بعضی بیع غرری را مساوی با بیع مجهول می‌دانند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۱۴۸) و گروهی معتقدند مقصود از غرر، خطری است که ریشه در جهالت دارد. در این دیدگاه، غرر دارای دو عنصر است؛ یکی جهل و دیگری خطر، و خطر نیز ممکن است ناشی از جهل به وجود یکی از عوضین باشد یا ناشی از جهل به اوصاف عوضین یا قدرت بر تسلیم آن (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۸۸؛ نراقی، ۱۴۲۲، ص ۳۰). در هر حال، وجود برخی از مصادیق معامله به مال آینده، از قبیل پیش‌فروش محصولات کشاورزی و بیع با ضمیمه یا فروش پرنده در آسمان (ر.ک. شعبانی کندسری، ۱۳۹۲، ص ۸۶ و ۱۳۴ به بعد) نشان می‌دهد که وجود هرگونه خطر یا جهلی سبب بطلان معامله نمی‌شود، بلکه غرر می‌بایست کثیر باشد و فرد را به مهلکه بیندازد؛ همان‌گونه که در معنای لغوی غرر آمده است. برخی از فقها نیز تصریح کرده‌اند که هرگونه خطری در معامله سبب غرری شدن معامله نخواهد شد و هر معامله خطری، غرری و باطل نیست؛ بلکه مقصود از غرر، خطری است که عرفاً قابل مسامحه نباشد و عرف و عقلا از آن احتراز کنند؛ و گرنه خطری را که عرف و عقلا ناچیز بدانند و در مقابل آن بی‌پروا باشند، غرر محسوب نشده، منحل به صحت عقد نخواهد بود (مراغی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۴؛ موسوس قزوینی، ۱۴۲۴، ص ۸۷۲). از این‌رو، به نظر می‌رسد معامله به مال آینده در صورتی غرری است که احتمال دستیابی و حصول مبیع ضعیف باشد؛ به طوری که عرف و عقلای جامعه از آن پرهیز کنند، ولی هرگاه ظن ایجاد موضوع معامله در آینده به قدری زیاد باشد که از حالت بخت و احتمال خارج شود و حالت هلاکت و ریسک شدید نداشته باشد، به گونه‌ای که خردمندان جامعه چنین معامله‌ای را عقلایی بدانند و به آن مبادرت ورزند، باید آن را صحیح دانست (شعبانی کندسری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴-۱۴۰).

### ۳.۳. بند سوم، عدم قبض موضوع وثیقه در وثیقه شناور

هرچند در خصوص نقش قبض در وضعیت رهن میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد (ر.ک. شعبانی کندسری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱-۱۵۳)، ولی قانون مدنی قبض را شرط صحت رهن قرار داده است. با وجود این، از حیث تحلیل حقوقی و وضعیت کنونی نظام قانون مدنی، شرط نبودن قبض دارایی در وثیقه شناور به این صورت توجیه می‌شود که در این نهاد دارایی خاصی به وثیقه داده نمی‌شود تا آن دارایی به قبض طلبکار داده شود و در تصرف او باقی بماند، بلکه دسته‌ای از دارایی به وثیقه داده می‌شود که دارایی مشمول آن دسته دارایی در جریان عادی تجارت به طور مرتب تغییر می‌یابد. بنابراین، طبیعی است که در این قسم از وثیقه، قبض شرط صحت عقد نباشد؛ به‌ویژه آنکه تا زمان تبلور، دارنده وثیقه بر مال مشخص و معینی حق وثیقه

ندارد، بلکه از زمان تبلور و تبدیل وثیقه شناور به وثیقه ثابت است که طلبکار بر اموال مشخصی حق عینی می‌یابد و از آن پس، بدهکار از انتقال دارایی موضوع وثیقه منع می‌شود.

#### ۳. ۴. بند چهارم، کفایت علم اجمالی به موضوع وثیقه

گرچه در نهاد وثیقه شناور دارایی موضوع وثیقه به‌طور کامل مشخص نیست، اما این امر به صحت عقد خللی نمی‌رساند، زیرا عقد رهن یا وثیقه از عقود مسامحی است و معلوم بودن مال موضوع وثیقه از جمیع جهات لازم نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۵، ص ۱۴۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۴۸؛ ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴) و علم اجمالی به آن کفایت می‌کند. در نتیجه، برای مثال، هرگاه تمام دارایی یا نصف آن‌ها به‌موجب وثیقه شناور تحت وثیقه درآید، از آنجا که اموال موضوع وثیقه قابلیت تعیین دارند و در زمان مقرر کل دارایی بدهکار مشخص است و موضوع وثیقه نیز بر اساس آن تعیین می‌شود، باید حکم به صحت آن داد.

#### ۳. ۵. بند پنجم، احتمالی بودن تضمین ناشی از وثیقه شناور

ایرادى که به وثیقه شناور وارد شده، این است که اختیار انتقال دارایی موجب تضعیف وثیقه شناور می‌شود (Gullifer, 2008, p. 402) و این موضوع ممکن است به احتمالی شدن تضمین ناشی از وثیقه شناور منجر گردد. اما باید توجه داشت که این اختیار مطلق نیست و به‌وسیله عمل در جریان عادی تجارت محدود می‌شود. به‌ویژه آنکه دارنده وثیقه می‌تواند آن را متبلور سازد و از این طریق جلوی انتقال دارایی را بگیرد. افزون‌براین، انتقادی که به این ایراد وارد به‌نظر می‌رسد، این است که وثیقه شناور بر اساس طبیعت خود برای وثیقه دادن دارایی در گردش استفاده شده است و به طلبکار اختیار می‌دهد در جریان عادی تجارت خویش با دارایی موضوع وثیقه معامله نماید و تجارت خود را ادامه دهد؛ درحالی که اگر بر اساس ایراد پیش‌گفته، شرکت اختیار انتقال دارایی در گردش خود را نداشته باشد، تجارت وی فلج خواهد شد. تمام تلاش در این نهاد بر این است که جمع حق وثیقه دارنده وثیقه و حق فعالیت بدهکار به نحوی صورت گیرد که منافع هر دو تأمین شود. شمول وثیقه بر بخش وسیعی از دارایی بدهکار و اختیار معامله با دارایی موضوع وثیقه به‌منظور تحقق چنین هدفی پیش‌بینی شده است.

به‌علاوه، وثیقه شناور استفاده هم‌زمان از دیگر اقسام حق وثیقه را منع نمی‌کند؛ به این معنی که طلبکار اختیار دارد وثیقه ثابت را روی هر یک از اموال بدهکار که مایل است، اخذ نماید. ولی از آنجا که دارایی ثابت وی ممکن است به میزان بدهی او نباشد و نتواند بازپرداخت کل بدهی وی را تضمین کند، برای بازپرداخت بدهی بدون وثیقه از نهاد وثیقه شناور استفاده

می‌شود؛ به طوری که در حقوق انگلیس متعارف است که طلبکاران روی بسیاری از دارایی بدهکار وثیقه ثابت اخذ کرده و روی تمام دارایی باقی مانده وی وثیقه شناور منعقد می‌کنند (Gullifer, 2008, p. 403). بنابراین، در کم‌ترین سطح از وثیقه شناور و با بدبینی و خصومت تمام نسبت به این نهاد، استفاده از وثیقه شناور برای توثیق دارایی در گردش بهتر از این است که طلبکار تنها برای بازپرداخت بخشی از طلب خود وثیقه ثابت در اختیار داشته باشد، ولی برای قسمت دیگر که ممکن است بخش عمده‌ای از دارایی وام‌دهنده را تشکیل دهد، هیچ تضمینی وجود نداشته باشد. البته راهکارهایی که برای حمایت از طلبکار دارای وثیقه شناور در این نهاد پیش‌بینی شده‌است، از قبیل شمول دسته دارایی موضوع وثیقه و امکان متبلور ساختن آن و حق تقدم‌هایی که وثیقه شناور به دست می‌آورد، این نگرش حداقلی نسبت به کارکرد وثیقه شناور را رد می‌کند و هدف از تضمین و اطمینان برای پرداخت دین را به خوبی فراهم می‌آورد.

#### ۴. نتیجه

در این مقاله، سعی بر این بود که توثیق دارایی در گردش از طریق شناخت مفهوم و عناصر نهاد وثیقه شناور در حقوق انگلیس بررسی شود و مهم‌ترین احکام و آثار آن تبیین گردد. نتیجه به دست آمده این بود که در این نهاد سعی شده است با راهکارهایی چون وسعت شمول دسته دارایی موضوع وثیقه، اعم از موجود و آینده و امکان متبلور ساختن وثیقه و اجرای آن، از دارنده وثیقه شناور حمایت شود. به‌ویژه آنکه استفاده هم‌زمان از وثیقه ثابت و شناور برای دارنده آن امکان‌پذیر است و به این ترتیب، دارنده وثیقه شناور می‌تواند افزون‌بر اینکه اموال ثابت مدیون را برای تضمین دریافت طلب خویش به عنوان وثیقه ثابت در اختیار داشته باشد، اموال در گردش و آینده بدهکار را نیز با عنوان وثیقه شناور به وثیقه گیرد و در نتیجه، بازپرداخت تمام طلب وی تضمین گردد. به‌جزاین، برای بدهکار این مزیت را دارد که مدیریت و کنترل دارایی خودش را در اختیار داشته باشد و بتواند با دارایی موضوع وثیقه در جریان عادی تجارت خویش معامله کند و از این راه حداکثر استفاده را از وام دریافتی ببرد که این امر سهم بسزایی در توسعه این تأسیس حقوقی داشته است.

با تحلیل عناصر و اوصاف اصلی نهاد وثیقه شناور در حقوق ایران و فقه امامیه، به این نتیجه رسیدیم که اختیار انتقال دارایی موضوع وثیقه از توافق طرفین ناشی می‌شود که تردیدی در صحت آن نیست. دیگر اینکه برخلاف نظر مشهور فقها و حقوق‌دانان، وجود موضوع معامله هنگام عقد ضرورت ندارد و معامله به مال آینده در صورتی که مبتنی بر غرر نباشد، صحیح است. در نتیجه، توثیق اموال آینده نیز به همین ترتیب صحیح خواهد بود. همچنین، به دلیل مسامحه بودن عقد وثیقه، علم اجمالی به مال مرهون و اوصاف و مقدار آن کفایت می‌کند

و از این رو، تعیین دسته دارایی موضوع وثیقه که قابلیت تعیین داشته باشد، برای حکم به صحت وثیقه کافی خواهد بود. افزون بر این، هر چند قانون مدنی ایران به تبعیت از نظر جمعی از فقیهان امامیه، قبض را شرط صحت رهن قرار داده است و از آن چنین برمی آید که پذیرش نهاد وثیقه شناور و توثیق دارایی در گردش طبق حقوق کنونی ما امکان پذیر نیست، با این همه، از آنجا که در وثیقه شناور مال مشخصی به وثیقه داده نمی شود، بلکه دسته ای از دارایی موضوع وثیقه قرار می گیرد و مصداق آن در آینده تعیین می شود، نباید قبض موضوع وثیقه را در زمان عقد از شرایط صحت آن قرار داد. در نتیجه، توثیق دارایی در گردش مغایرتی با نظام حقوقی و مبانی فقهی ما ندارد. با این حال، پیشنهاد می شود با تهیه و تصویب قانونی جامع، احکام و آثار این نهاد به دقت تعیین گردد و با حمایت از طلبکاران بدون وثیقه و تعیین دقیق طلبکاران ممتاز، رویه قضایی ایران امکان اجرای این نهاد را به خوبی فراهم آورد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۸۵). حقوق مدنی. ۶ جلد، ج ۱، چاپ بیست و ششم، تهران: اسلامیه.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۲۵۳۷). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت. ج ۱، چاپ اول، بی جا: مشعل آزادی.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). دایره المعارف عمومی حقوق. الفارق، ج ۳، اول، تهران: گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). فلسفه اعلی در علم حقوق. چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۵. رهپیک، حسن (۱۳۸۷). حقوق مدنی: عقود معین (۲). چاپ اول، تهران: خرسندی.
۶. سیفی زیناب، غلامعلی و حسن زاده، منصوره (۱۳۸۸). «استصناع در فقه و حقوق ایران». مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۰، ص ۲۱۷-۱۶۱.
۷. شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۲). وثیقه شناور در حقوق انگلیس و تحلیل آن در مبانی حقوق ایران و فقه امامیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۸. شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). حقوق مدنی، ج ۱: تشکیل قراردادها و تعهدات. چاپ هفتم، تهران: مجد.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها. ج ۲: انعقاد و اعتبار قرارداد - نظریه بطلان و عدم نفوذ، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). حقوق مدنی: عقود معین. ج ۱: معاملات معوض - عقود تملیکی، چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی و همکاران (۱۳۸۹). حقوق قراردادها در فقه امامیه. ج ۲، چاپ اول، قم: سبحان.

### ب) عربی

۱. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناظره. ۲۵ جلد، ج ۲۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه. ۲۳ جلد، ج ۱۳، ۱۸، ۱۹ و ۲۳، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیه. ۶ جلد، ج ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۴. طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۲۶). مبانی منهاج الصالحین. ۱۰ جلد، ج ۸، چاپ اول، قم: منشورات قلم الشرق.
۵. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱). حاشیه المکاسب. ۲ جلد، ج ۱، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

٦. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (١٤٠٩). عروه الوثقی. ٢ جلد، ج ٢، دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٧. عاملی کرکی، علی بن حسین (١٤١٤). جامع المقاصد. ١٣ جلد، ج ٩ و ١٠، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٨. مراغی، عبدالفتاح (١٤١٧). العناوین الفقھیة. ٢ جلد، ج ٢، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٩. مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٥). أنوار الفقاهة: کتاب البیع. یک جلد، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).
١٠. موسوی بجنوردی، سید حسن (١٤١٩). القواعد الفقھیة. ٧ جلد، ج ٤، ٦ و ٧، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
١١. موسوی قزوینی، سیدعلی (١٤٢٤). ینایع الأحکام. ج ٢، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
١٢. نجفی، شیخ محمدحسن (١٤٠٤). جواهر الکلام. ج ٢٢، ٢٤، ٢٥ و ٢٨، هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٣. نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر (١٤٢٢). أنوار الفقاهة: کتاب البیع. اول، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
١٤. نراقی، مولی احمد (١٤١٥). مستند الشیعة. ١٩ جلد، ج ١٤، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٥. نراقی، مولی احمد (١٤١٧). عوائد الأيام. یک جلد، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
١٦. نراقی، مولی محمدبن احمد (١٤٢٢). مشارق الأحکام. یک جلد، دوم، قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.

## ج) خارجی

### 1. Books and Articles

1. Armour, John, (2004), "The Chequered History of The Floating Charge", **Griffith L. Rev.**, Vol. 13, No. 1, p. 25-56.
2. Bourne, Nicholas, (1998), **Principles of Company Law**, 3<sup>rd</sup>ed., London: Cavendish Publishing Limited.
3. Fairweather, Mark & Border, Rosy, (2004), **Setting up Limited Company**, 2<sup>nd</sup> ed., London: Cavendish Publishing Limited.
4. Ferran, Eilis, (1998), "Floating Charges - The Nature of the Security", **C.L.J. (The Cambridge Law Journal)**, Vol. 47, No. 2, p. 213-237.
5. Goode, R. M., (1998), **Legal Problems of Credit and Security**, 2<sup>nd</sup> ed., London: Sweet & Maxwell.
6. Goulding, Simon, (1999), **Company Law**, 2<sup>nd</sup> ed., London: Cavendish Publishing Limited.
7. Gullifer, Louise, (2008), "The Reforms of the Enterprise Act 2002 and the Floating Charge", **Can. Bus. L.J.** (Canadian Business Law Journal), Vol. 46, p. 399-429.
8. McCormack, Gerard, (2002), "The Floating Charge in England and Canada", in: **The Reform of United Kingdom Company Law**, Chapter 16, Edited by Dr. John de Lacy, First published, London: Cavendish Publishing Limited, p. 389-414.
9. Pennington, Robert R., (1960), "The Genesis of The Floating Charge", **Mod. L. Rev.** (The Modern Law Review), Vol. 23, p. 630-646.
10. Sealy, L. S., (1986), "Company Law - Floating Charge - Priorities", **C.L.J.** (The Cambridge Law Journal), Vol. 45, No. 1, 1986. P. 25-27.
11. Stamp, Mark, (2001), **Private Company Law**, 3<sup>rd</sup> ed., London: Cavendish Publishing Limited.
12. Tajarloo, Reza, (2005), **Avoidance of Antecedent Transactions in English Corporate Insolvency Law**, University of Essex.
13. Wood, Roderick J, (1989), "The Floating Charge in Canada", **Alta. L. Rev.** (Alberta Law Review), Vol. 27, p. 191-225.

### 2. Cases

1. *Agnew and Another v. Commissioner of Inland Revenue (Re Brumark Investments Ltd.)* [2001] 2 A.C. 710.
2. *Evans v. Rival Granite Quarries Ltd.* [1910] 2 K.B. 979.
3. *Federated Cooperatives Ltd. v. Blesse* [1981] 3 W.W.R. 514.4. *Gaskell v. Gosling* [1896] 1 Q.B. 669.
5. *Government Stocks and Other Securities Investment Co. Ltd. v. Manila Rly. Co.* [1897] A.C. 81.
6. *Griffiths v. Yorkshire Bank plc.* [1994] 1 W.L.R. 1427



7. *Hubbuck v. Helms* [1887] 56 L.J. Ch. 536.
8. *Illingworth v. Houldsworth* [1904] A.C. 355.
9. *Landall Holdings v. Caratti* [1979] W.A.R. 97.
10. *National Westminster bank plc. v. Spectrum Plus Ltd.* [2005] U.K.H.L. 41.
11. *Norton v. Yates* [1906] 1 K.B. 112 & 2 K.B. 746.
12. *Ontario Development Corp. v. Trustee of the Estate of I.C. Suatac Construction Ltd.* [1976] 69 D.L.R. 353.
13. *R. v. F.B.D.B.* [1987] 43 D.L.R. 188.
14. *Re Automatic Bottle Makers Ltd.* [1926] Ch. 412.
15. *Re Benjamin Cope v. Sons Ltd.* [1914] 1 Ch. 800.
16. *Re Bond Worth Ltd.* (1979) 3 All. E.R. 919 & [1980] Ch. 228.
17. *Re Borax Co.* [1901] 1 Ch. 326.
18. *Re Borax Co., Foster v. Borax Co.* [1899] 2 Ch. 130.
19. *Re Brightlife Ltd.* [1986] Ch. 200 & [1987] 2 W.L.R. 197.
20. *Re Crompton & Co. Ltd., Player v. Crompton & Co. Ltd.* [1914] 1 Ch. 954.
21. *Re Florence Land & Public Works Co.* [1878] 10 Ch.D. 530.
22. *Re Hayman, Christy & Lilly Ltd.* [1917] 1 Ch. 283.
23. *Re Hillstead Ltd.* [1980] 103 D.L.R. 347
24. *Re Household Products Co. Ltd.* [1981] 124 D.L.R. 325.
25. *Re Ind, Coope & Co. Ltd.* [1911] 2 Ch. 223.
26. *Re Keenan Bros Ltd.* [1986] B.C.L.C. 242.
27. *Re Matthew Ellis Ltd.* [1933] 11 Ch. 458.
28. *Re Mobile Electric Ltd.* (1979) 29 C.B.R. 204.
29. *Re Opera Ltd.* [1891] 3 Ch. 260.
30. *Re Orleans Motor Co. Ltd.* [1911] 2 Ch. 41.
31. *Re Panama, New Zealand and Australia Royal Mail Co.* [1870] 5 Ch. App. 318.
32. *Re Permanent House (Holdings) Ltd.* [1988] B.C.L.C. 563.
33. *Re Real Meat Co. Ltd.* [1996] B.C.L.C. 254.
34. *Re Woodroffes (Musical Instruments) Ltd.* [1986] Ch. 366.
35. *Re Yorkshire Woolcomers Association Ltd.* [1903] 2 Ch. 284.
36. *Robinson v. Smith* [1895] 2 Ch. 118.
37. *Royal Bank of Canada v. Sparrow Electric Corp.* [1997] 143 D.L.R. 385.
38. *Savin Canada Inc. v. Protech Office Electronics Ltd.* [1984] 8 D.L.R. 225.
39. *Siebe Gorman & Co. Ltd. v. Barclays Bank Ltd.* [1979] 2 Lloyd's Rep. 142.
40. *Smith v. Bridgend County Borough Council* [2002] 1 A.C. 336.
41. *Taylor v. M'Keand* [1880] 5 C.P.D. 358.
42. *Ward v. Royal Exchange Shipping Co. Ltd.* [1888] 58 L.T. 174.
43. *Wheatly v. Silkstone & High Moor Coal Co.* [1885] 29 Ch.D. 715.
44. *William Gaskell Group Ltd. v. Highley* [1994] 1 B.C.L.C. 197.